هو الله- ای یاران عزیز عبدالبهآء و امآء رحمن صبح...

عبدالبهآء عباس

اصلی فارسی



### لوح رقم (329) – من آثار حضرت عبدالبهاء – مکاتیب عبد البهاء، جلد 8، صفحه 239

## هو الله

ای یاران عزیز عبدالبهآء و امآء رحمن صبح است و نسیم جانپرور جنت ابهی بجمیع کائنات مرور کند ولی تأثیر در قلوب صافیه نماید و مشام پاک را معطر فرماید پرتو آفتاب را دیده بینا بیند و آهنگ ملأ اعلی را گوش شنوا شنود باران رحمت نیسانی و فیض آسمانی هر چند بر عموم اراضی فائض است ولی از خاک پاک انبات نماید اما از شوره زار بیزار است زیرا آثار فیض ظاهر و آشکار نه حال نفحات قدس ملکوت ابهی در هر دیار منتشر ولی نفوس زکیه منتفع و منجذب از فضل حی قیوم امید این مظلوم چنانست که بقوه باهره کلمة الله مشام غافلان باز گردد و از رائحه گلستان راز نصیب و بهره گیرند ای یاران الهی دوستان حقیقی طبیبان حاذقند و تعالیم الهی دریاق رحمانی و درمان وجدانی مشامهای مزکوم باز نمایند و از طیب مشموم نصیب موفور بخشند خفتگانرا بیدار کنند غافلانرا هوشیار فرمایند محرومانرا نصیب بخشند و مأیوسانرا امیدوار فرمایند الیوم اگر نفسی بموجب وصایا و نصائح الهیه روش و حرکت نماید عالم انسانیرا طبیب روحانی گردد و مردگان امکانیرا صور اسرافیل شود زیرا تأییدات ملکوت ابهی پی در پی است و نصرت ملأ اعلی همدم هر نیک پی پشه ضعیف عقاب قوی گردد و عصفور نحیف شهباز اوج عزت قدیم شود لهذا نظر باستعداد و قابلیت خویش ننمائید بلکه اعتماد برعون و عنایت و فضل و موهبت جمال مبارک روحی لأحبائه الفدآء نمائید و در میدان جانفشانی سمند همت را جولان دهید تا گوی الطافرا از این میدان وسیع بربائید

ای امآء رحمن بانوهای جهان سر ببالین خاک نهادند و محو و نابود گشتند نه اثری و نه ثمری نه نامی و نه نشانی نه جودی و نه وجودی ولی کنیزان درگاه احدیت هر یک در افق عزت قدیمه مانند ستاره درخشیدند و بر قرون و اعصار تابیدند و در ملکوت ابهی بمنتهای آرزو رسیدند و از شهد لقا در محفل کبریا چشیدند این نفوس از وجود بهره‌ئی گرفتند و ثمره‌ئی بردند و ماعدا قد اتی علیهم حین من الدهر لم یکونوا شیئا مذکورا ای یاران این مظلوم نظر را از مشاهده غیر پاک نمائید بیگانه نبینید بلکه جمیع را آشنا دانید زیرا با وجود ملاحظه بیگانی محبت و یگانگی مشکل است و در این دور بدیع بنصوص الهی باید با جمیع طوائف و ملل یگانگی نمود و نظر بعنف و شدت و سوء نیت و ظلم و عداوت ننمود بلکه بافق عزت قدیمه باید نظر کرد که این کائنات هر یک آیتی از رب الآیاتند و بفیض الهی و قدرت ربانی بعرصه وجود قدم نهادند لهذا آشنا هستند نه بیگانه یار هستند نه اغیار و باین نظر باید معامله نمود پس یاران باید در نهایت مهربانی و محبت با دوست و بیگانه هر دو الفت و محبت نمایند و ابدا نظر باستحقاق و استعداد نکنند در هر صورت نهایت مهربانی فرمایند از شدت عناد و جدال و بغضا و عدوان خلق شکست نخورند اگر آنان تیر زنند اینان شهد و شیر بخشند اگر زهر دهند قند بخشند اگر درد دهند درمان بیاموزند اگر زخم زنند مرهم بنهند اگر نیش زنند نوش روا دارند

الهی الهی ان هؤلآء عبادک الضعفاء و ارقائک الأمنآء و امآئک اللائی خضعن لکلمتک العلیا و خشعن لعتبتک النورآء و اعترفن بوحدانیتک التی ظهرت ظهور الشمس فی وسط الضحی و سمعن ندائک من ملکوتک الأخفی و لبین لدعائک بقلوب خافقة بالمحبة و الولآء رب افض علی الجمیع سجال رحمتک و امطر علی الکل من سحاب موهبتک و انبتهم نباتا حسنا فی حدیقة رحمانیتک و اجعل هذه الریاض نضرة خضلة خضرة ریانة بفیوضات غمام احدیتک و مؤنقة هذة الریاحین النابتة النامیه بمیاه حیاض الألطاف انک انت المقتدر المتعالی العزیز قیوم الأرض و السموات لا اله الا انت رب الآیات البینات (ع ع)